

The Impact of Cultural Values on the Architecture of Ottoman Houses in Syria: Introducing Patterns of Privacy and Social Interaction

1. Diana Hariri^{ID}: PhD Student in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Arts, Tehran, Iran

2. Seyed Behshid Hosseini^{ID}*: Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Arts, Tehran, Iran.

3. MohammadReza Rahimzadeh^{ID}: Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Arts, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: behshid_hosseini@art.ac.ir

How to Cite: Hariri, D., Hosseini, S. B., & Rahimzadeh, M. (2025). The Impact of Cultural Values on the Architecture of Ottoman Houses in Syria: Introducing Patterns of Privacy and Social Interaction. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(3), 1-21.

Abstract:

The architecture of Ottoman-era houses in Syria, as a symbol of cultural heritage, reflects the social and cultural values that played a fundamental role in organizing residential spaces. This study aims to examine and analyze the influence of cultural values on the architecture of Ottoman houses in the cities of Aleppo and Damascus and to identify patterns related to privacy and social interactions. The research adopts a qualitative, descriptive-analytical approach, grounded in both documentary and field investigations. The statistical population includes historical Ottoman houses in Aleppo and Damascus, with purposive sampling conducted on five case studies. Data were collected through field visits, photography, mapping, and the review of library sources, and were processed using comparative and content analysis methods. The findings indicate that cultural values—such as privacy and hospitality—were prominent in the spatial design of these houses. The key identified patterns include public–semi-public–private spatial layering, curved entrance corridors, and central courtyards. The observed differences between Aleppo and Damascus in courtyard dimensions, materials, and decorations were influenced by local climatic and cultural factors. The results suggest sustainable design models that can be utilized in the reconstruction of war-damaged areas in Syria and in preserving cultural identity within contemporary architecture.

Keywords: Ottoman architecture, privacy, social interaction, cultural values, Syria, contemporary reconstruction

Received: 16 June 2025

Revised: 09 October 2025

Accepted: 22 October 2025

Published: 22 November 2025



تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی سوریه: معرفی الگوهای حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی

۱. دیانا حریری^{ID}: دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران

۲. سید بهشید حسینی^{ID}*: استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. محمدرضا رحیم زاده^{ID}: استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: behshid_hosseini@art.ac.ir

نحوه استناددهی: حریری، دیانا، حسینی، سید بهشید، و رحیم زاده، محمدرضا. (۱۴۰۴). تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی سوریه: معرفی الگوهای حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۳(۳)، ۱-۲۱.

چکیده

معماری خانه‌های دوره عثمانی در سوریه، به‌عنوان نمادی از میراث فرهنگی، بازتاب‌دهنده ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است که در سازماندهی فضاهای مسکونی نقش اساسی ایفا کرده‌اند. این مطالعه با هدف بررسی و تحلیل تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی در شهرهای حلب و دمشق و شناسایی الگوهای مرتبط با حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی انجام شده است. روش تحقیق کیفی و توصیفی-تحلیلی است و بر پایه تحقیقات اسنادی و میدانی بنا نهاده شده است. جامعه آماری شامل خانه‌های تاریخی عثمانی در حلب و دمشق است و نمونه‌گیری هدفمند بر روی پنج نمونه موردی صورت گرفته است. داده‌ها از طریق بازدیدهای میدانی، عکاسی، نقشه‌کشی و بررسی منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و با روش‌های تحلیل تطبیقی و محتوایی پردازش شده است. نتایج حاکی از آن است که ارزش‌های فرهنگی، مانند حریم خصوصی و مهمان‌نوازی در طراحی فضایی این خانه‌ها برجسته بوده‌اند. الگوهای کلیدی شامل لایه‌بندی فضایی عمومی-نیمه‌عمومی-خصوصی، دالان‌های ورودی خمیده، و حیاط‌های مرکزی شناسایی شدند. تفاوت‌های مشاهده‌شده میان حلب و دمشق در ابعاد حیاط‌ها، مصالح و تزئینات، ناشی از عوامل اقلیمی و فرهنگی محلی بوده است. یافته‌ها الگوهای طراحی پایداری را پیشنهاد می‌دهند که قابل بهره‌برداری در بازسازی مناطق آسیب‌دیده سوریه و حفظ هویت فرهنگی در معماری نوین هستند.

کلیدواژگان: معماری عثمانی، حریم خصوصی، تعاملات اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، سوریه، بازسازی معاصر

تاریخ دریافت: ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ آذر ۱۴۰۴



خانه‌های عثمانی در سوریه تنها بازمانده‌هایی از گذشته نیستند، بلکه جلوه‌ای زنده از تعامل فرهنگ، اقلیم و شیوه‌های زندگی اجتماعی‌اند. این خانه‌ها با ویژگی‌هایی چون حیاط‌های مرکزی، ایوان‌های سایه‌دار و بهره‌گیری از مصالح بومی توانسته‌اند میان نیازهای عملکردی و ارزش‌های فرهنگی تعادل ایجاد کنند. در این میان، دو ارزش اساسی - حریم خصوصی و مهمان‌نوازی - بیش از سایر عناصر در سازمان فضایی این خانه‌ها نمود یافته‌اند (1).

معماری خانه‌های عثمانی در سوریه، به‌ویژه در شهرهای حلب و دمشق، نمونه‌ای برجسته از تعامل میان فرهنگ، اقلیم و نیازهای اجتماعی ساکنان است. این خانه‌ها با استفاده از الگوهای طراحی مانند حیاط‌های مرکزی و دالان‌های ورودی خمیده، فضاهایی را ایجاد کرده‌اند که هم حریم خصوصی را تأمین می‌کنند و هم تعاملات اجتماعی و خانوادگی را تسهیل می‌نمایند (2). با این حال، جنگ داخلی سوریه بسیاری از این خانه‌های تاریخی را تخریب کرده و بازسازی آن‌ها بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی می‌تواند به از دست رفتن هویت معماری منطقه منجر شود (3). در شرایط کنونی، نیاز به بازسازی فضاهای مسکونی با رویکردی که هم به نیازهای مدرن پاسخ دهد و هم هویت فرهنگی را حفظ کند، بیش از پیش احساس می‌شود.

معماری سنتی این خانه‌ها، با تأکید بر پایداری زیست‌محیطی و ارزش‌های فرهنگی، می‌تواند الگویی برای طراحی معاصر باشد (4-6). با این وجود، فقدان بررسی‌های جامع در مورد چگونگی انعکاس ارزش‌های فرهنگی در این معماری، به‌ویژه در زمینه حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی، همچنان یک چالش باقی مانده است. با وجود تحقیقات متعدد در زمینه معماری عثمانی، توجه محدودی به تحلیل دقیق ارزش‌های فرهنگی در خانه‌های مسکونی سوریه، به‌ویژه از منظر حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی، شده است. بسیاری از مطالعات موجود بر جنبه‌های کالبدی مانند مصالح یا نقشه‌های معماری تمرکز کرده‌اند و کمتر به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این طراحی‌ها پرداخته‌اند (7-9).

با توجه به تخریب‌های ناشی از جنگ، نیاز به الگوهای طراحی معاصر که بتوانند این ارزش‌ها را در بازسازی مناطق آسیب‌دیده ادغام کنند، به‌عنوان یک شکاف تحقیقاتی برجسته مطرح است (10-12). این پژوهش با تمرکز بر ارزش‌های فرهنگی و ارائه الگوهای طراحی مبتنی بر حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی، به دنبال پر کردن این شکاف است. در این راستا، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر هستند:

چگونه ارزش‌هایی چون حریم خصوصی و مهمان‌نوازی در طراحی فضایی خانه‌های عثمانی سوریه بازتاب یافته‌اند؟

تفاوت‌ها و شباهت‌های میان حلب و دمشق در این زمینه چه بوده و چه عوامل اقلیمی و فرهنگی بر آن‌ها تأثیرگذار بوده است؟

مبانی نظری

این بخش به بررسی مبانی نظری تحقیق می‌پردازد و چارچوب مفهومی را برای تحلیل تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی در سوریه فراهم می‌کند. تمرکز اصلی بر ارزش‌های فرهنگی مانند حریم خصوصی و مهمان‌نوازی است که در الگوهای فضایی این خانه‌ها منعکس شده‌اند.

ارزش‌های فرهنگی در معماری اسلامی و عثمانی

ارزش‌های فرهنگی در معماری، به‌عنوان عناصری که ریشه در باورها، هنجارها و سبک زندگی جوامع دارند، نقش کلیدی در شکل‌گیری فضاهای زیستی ایفا می‌کنند (7, 13). معماری عثمانی سوریه بخش از معماری سرزمین‌های اسلامی است و می‌توان در آن برخی اصول و ارزش‌های منبعث از باورهای اسلامی را دید، ارزش‌هایی مانند حریم خصوصی (حرمت) و مهمان‌نوازی (ضیافت) از اصول قرآنی و سنت‌های اسلامی نشأت گرفته‌اند و در طراحی خانه‌ها به‌صورت لایه‌بندی فضایی عمومی و خصوصی ظاهر می‌شوند (1). حریم خصوصی به مفهوم جداسازی فضاهای خانوادگی از عمومی اشاره دارد که نه‌تنها جداسازی مادی و کالبدی است بلکه ایجاد حریمی است که به حفظ منزلت و کرامت فردی و خانوادگی کمک می‌نماید. برای مثال، در خانه‌های سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه، دالان‌های ورودی خمیده و دیوارهای بلند به‌عنوان موانع بصری عمل می‌کنند تا از نفوذ نگاه خارجی جلوگیری شود (14) این تمهیدات در عین حال حریمی برای جهان درونی خانه ایجاد می‌کنند. این مفهوم در معماری عثمانی سوریه، تحت تأثیر فرهنگ محلی و اسلامی، به‌صورت هوشمندانه‌ای با الزام‌های برآمده از اقلیم ترکیب شده است، جایی که حیاط‌های مرکزی به‌عنوان فضاهای نیمه‌خصوصی، تعادل بین خلوت و تعامل را برقرار می‌کنند (2, 15).

مهمان‌نوازی، به‌عنوان ارزش دیگری، در فرهنگ سوریه ریشه در سنت‌های عربی-اسلامی دارد و در معماری به‌صورت فضاهای پذیرایی مانند ایوان‌های سایه‌دار بروز می‌کند. این ارزش‌ها فقط عملکردی نیستند، بلکه نمادین نیز محسوب می‌شوند و به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کنند (16, 17). مطالعات نشان می‌دهند که در دوره عثمانی، معماری خانه‌ها تحت تأثیر تعاملات فرهنگی با مناطق همجوار مانند ترکیه و مصر قرار گرفت، که منجر به ترکیب عناصر بومی با تأثیرات خارجی شد (7, 18). برای نمونه، استفاده از تزئینات هندسی در دیوارها و سقف‌ها، نه‌تنها زیبایی‌شناختی است، بلکه بیانگر ارزش‌های معنوی مانند وحدت و تعادل در فرهنگ اسلامی می‌باشد (19). این مفاهیم در چارچوب نظری الکساندر (۱۹۷۷)، که بر «زبان الگوها» تأکید دارد، به‌عنوان الگوهای بی‌زمان توصیف می‌شوند که کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهند (20, 21).

الگوهای کلیدی: حریم خصوصی و تعامل اجتماعی

چارچوب نظری سالینگرُس، با تأکید بر «مقیاس‌های چندگانه» و «مراکز قوی»، بستری فراهم می‌کند تا بتوان رابطه‌ی میان سازمان فضایی خانه و کیفیت‌های زیسته‌ی ساکنان را در سطوح مختلف تحلیل کرد. در مقیاس خرد، فضاهایی مانند دالان‌های ورودی خمیده، دیوارهای بلند و حیاط‌های نیمه‌محصور به‌عنوان «مراکز قوی» عمل می‌کنند؛ آن‌ها نقاطی از تمرکز فضایی و رفتاری هستند که گذار تدریجی از قلمرو عمومی به قلمرو خصوصی را ممکن می‌سازند و در نتیجه، لایه‌بندی حریم را شکل می‌دهند (1). در مقیاس میان‌رده، عناصر کالبدی چون ایوان‌های شمالی در حلب یا اتاق‌های پذیرایی تزئین‌شده در دمشق به‌عنوان مراکز تعامل اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. این فضاها در عین حفظ حریم، امکان گفت‌وگو، مهمان‌نوازی و تعامل خانوادگی را فراهم می‌کنند (14). در نهایت، در مقیاس کلان‌تر، شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ی کوچه‌ها و گذرهای باریک، پیوند میان خانه‌ها و محله را شکل می‌دهد و با ایجاد مرزهای نرم و نفوذپذیر، تعادل میان خصوصیت فردی و جمعیت‌پذیری اجتماعی را برقرار می‌سازد (22). در مجموع، این ساختار چندمقیاسی نشان می‌دهد که حریم خصوصی و تعامل اجتماعی نه به‌صورت دوگانه‌ی متضاد، بلکه در قالب سلسله‌مراتبی از مراکز فضایی در پیوندی پویا و هم‌افزا تعریف می‌شوند.

تعامل اجتماعی، به عنوان الگوی مکمل، در حیاط‌های مرکزی و ایوان‌های سایه‌دار بروز می‌کند. حیاط مرکزی، به عنوان «فضای محصور» در نظریه الکساندر، محل گردهمایی خانوادگی و مراسم اجتماعی است و ارزش جمع‌گرایی را تقویت می‌نماید (2). در سوریه، این فضاها با حوض‌های آب و گیاهان بومی، تعامل با طبیعت را نیز ادغام می‌کنند و به بهبود کیفیت زندگی کمک می‌نمایند (23). نور طبیعی و تهویه متقاطع در این الگوها، نمادی از ارزش پایداری هستند و تعاملات را در شرایط اقلیمی گرم تسهیل می‌کنند (5). علاوه بر این، تزئینات هندسی، مانند نقوش سنگی در حلب، به عنوان عناصر نمادین، حس وحدت فرهنگی را در تعاملات اجتماعی تقویت می‌کنند (7, 24).

شکاف تحقیقاتی و کاربرد در بازسازی معاصر

با وجود مطالعات گسترده، شکاف‌هایی در بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر الگوهای حریم خصوصی و تعامل اجتماعی در خانه‌های عثمانی سوریه وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌ها بر جنبه‌های کالبدی تمرکز کرده‌اند، اما کمتر به تحلیل فرهنگی پرداخته‌اند (12). برای مثال، در حالی که برخی به پایداری زیست‌محیطی اشاره کرده‌اند (24)، تأثیر جنگ بر این ارزش‌ها و کاربرد آن‌ها در بازسازی کمتر بررسی شده است (3). این شکاف، نیاز به الگوهای طراحی معاصر را برجسته می‌کند که بتوانند ارزش‌های فرهنگی را با نیازهای مدرن ترکیب کنند، مانند استفاده از حیاط‌های مرکزی در مجتمع‌های مسکونی جنگ‌زده (11).

چارچوب نظری این تحقیق، با ترکیب مفاهیم فرهنگی و الگوهای فضایی، پایه‌ای برای تحلیل نمونه‌های موردی فراهم می‌کند به نحوی که از آنها بتوان در طراحی امروز و آینده بهره گرفت. ارزش‌های حریم خصوصی و تعامل اجتماعی، به عنوان عناصر کلیدی، می‌توانند در بازسازی سوریه الهام‌بخش باشند و به حفظ هویت فرهنگی کمک کنند (21, 25). این چارچوب به روش‌شناسی تحقیق مرتبط می‌شود، جایی که تحلیل کیفی-تطبیقی برای بررسی این الگوها استفاده خواهد شد.

روش شناسی

این تحقیق با رویکردی کیفی و توصیفی-تحلیلی طراحی شده است تا تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی در سوریه را بررسی کند و الگوهای مرتبط با حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی را معرفی نماید. این روش تحقیق برای تحلیل عمیق ویژگی‌های معماری و فرهنگی انتخاب شده است، زیرا امکان بررسی دقیق روابط بین عناصر فضایی و ارزش‌های اجتماعی مانند مهمان‌نوازی و حریم خصوصی را فراهم می‌کند. تمرکز بر جنبه‌های توصیفی به توصیف دقیق ویژگی‌های معماری کمک می‌نماید، در حالی که رویکرد تحلیلی به مقایسه و تفسیر داده‌ها برای استخراج الگوهای طراحی می‌پردازد. این روش، که بر پایه مطالعات اسنادی و میدانی استوار است، امکان ارائه پیشنهادهایی برای بازسازی معاصر را نیز فراهم می‌آورد، به ویژه در زمینه حفظ هویت فرهنگی در مناطق جنگ‌زده سوریه (8, 9).

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را تمام خانه‌های تاریخی دوره عثمانی در دو شهر کلیدی سوریه، حلب و دمشق، تشکیل می‌دهد. این خانه‌ها به دلیل موقعیت تاریخی و فرهنگی خود در محله‌های قدیمی مانند الجدیده در حلب و دعوت در دمشق، به عنوان نمادهای میراث معماری عثمانی شناخته می‌شوند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت تا خانه‌هایی انتخاب شوند که بیشترین ارزش‌های شاخص معماری و فرهنگی را داشته باشند. حجم نمونه شامل پنج نمونه موردی است:

بیت غزاله و بیت جبری در محله جدید حلب، بیت نظام و بیت وکیل در محله دعوت دمشق، و بیت جنبلاط به عنوان نمونه مکمل در حلب. این انتخاب بر اساس معیارهایی مانند فضاها و عناصر متنوع (مانند وجود حیاط مرکزی و ایوان‌های سایه‌دار که الگوهای تعامل اجتماعی را تسهیل می‌کنند)، موقعیت تاریخی (قرارگیری در بافت‌های قدیمی که نشان‌دهنده تعامل با محیط شهری است)، و دسترسی به اسناد (مانند نقشه‌ها، پلان‌ها، نماها و مقاطع برای تحلیل دقیق) صورت گرفت. این رویکرد هدفمند اطمینان می‌دهد که نمونه‌ها نماینده الگوهای کلی ارزش‌های فرهنگی در خانه‌های عثمانی هستند و امکان تحلیل تطبیقی بین حلب (با اقلیم خشک و گرم) و دمشق (با اقلیم معتدل‌تر) را فراهم می‌آورد.

روش اجرا

روش اجرا در این تحقیق به صورت گام‌به‌گام طراحی شده تا داده‌ها به‌طور نظام‌مند جمع‌آوری و پردازش شوند. در گام نخست، گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شوند، که شامل جمع‌آوری منابع تاریخی، نقشه‌ها، مستندات معماری و متون علمی مرتبط با خانه‌های عثمانی در سوریه است. این مرحله بر بررسی کتب، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی تمرکز دارد تا پایه‌ای برای درک ارزش‌های فرهنگی فراهم شود. گام دوم، بررسی میدانی است که در آن از نمونه‌های باقی‌مانده خانه‌های عثمانی بازدید شده و ویژگی‌های معماری مانند حیاط‌های مرکزی، ایوان‌های سایه‌دار و تزئینات ثبت می‌شود. در این مرحله، برداشت عکس، نقشه‌برداری و اندازه‌گیری دقیق انجام گرفته، و در صورت امکان، مصاحبه با متخصصان معماری بومی یا تاریخ‌نگاران محلی برای کسب بینش‌های فرهنگی در مورد الگوهای حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی صورت می‌پذیرد. گام سوم شامل بازسازی دیجیتال است، جایی که از نرم‌افزارها برای تهیه پلان‌ها، نماها، مقاطع و تصاویر بازسازی‌شده با حضور انسان استفاده می‌شود تا تعاملات اجتماعی و خانوادگی به صورت بصری نمایش داده شوند. گام نهایی، ترکیب داده‌هاست، که در آن داده‌های میدانی با منابع کتابخانه‌ای ادغام شده تا تحلیل چندجانبه‌ای از تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری فراهم آید. این مراحل به‌گونه‌ای اجرا می‌شوند که تمرکز اصلی بر الگوهای مرتبط با عنوان تحقیق، یعنی حریم خصوصی (از طریق لایه‌بندی فضایی) و تعاملات اجتماعی (از طریق فضاهای جمعی مانند حیاط مرکزی)، حفظ شود.

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در این تحقیق با روش‌های ترکیبی انجام گرفت تا عمق و دقت لازم برای بررسی ارزش‌های فرهنگی فراهم شود. ابتدا، تحلیل تطبیقی برای مقایسه ویژگی‌های معماری بین خانه‌های حلب و دمشق استفاده شد، که تفاوت‌ها و شباهت‌ها در الگوهای حریم خصوصی (مانند استفاده از دیوارهای ضخیم در حلب برای عایق‌سازی و حفظ خلوت) و تعاملات اجتماعی (مانند ایوان‌های بزرگ‌تر در دمشق برای مراسم خانوادگی) را شناسایی کرد. سپس، تحلیل محتوایی بر عناصر معماری مانند فضاهای خصوصی و عمومی، مصالح محلی (مانند سنگ بازالت در حلب و خشت در دمشق)، الگوهای تزئینی و تعامل فضاها با محیط تمرکز داشت، که این امر به درک چگونگی انعکاس ارزش‌های فرهنگی مانند مهمان‌نوازی کمک نمود. تحلیل تأثیرات فرهنگی نیز برای بررسی نحوه بازتاب سبک زندگی ساکنان در طراحی فضایی، با تأکید بر ویژگی‌های اجتماعی، مذهبی و اقلیمی انجام شد. برای داده‌های کمی مانند اندازه‌گیری فضاها و روابط بین ویژگی‌های اقلیمی و طراحی، از روش‌های آماری مانند تحلیل خوشه‌ای برای شناسایی الگوهای مشترک (مانند حیاط مرکزی به‌عنوان الگوی غالب) و تحلیل همبستگی بین متغیرها (مانند ضخامت دیوارها و کاهش مصرف انرژی) در نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. اعتبارسنجی یافته‌ها از طریق جمع‌آوری نظرات

متخصصان معماری و تاریخ‌نگاران، و مقایسه نتایج با مطالعات پیشین انجام گرفت تا صحت تحلیل‌ها تضمین شود. این روش‌های تحلیلی، با تمرکز بر الگوهای حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی، امکان استخراج پیشنهادهایی برای طراحی معاصر را فراهم آوردند، مانند استفاده از حیاط‌های مرکزی در بازسازی مناطق آسیب‌دیده برای تقویت پیوندهای فرهنگی و اجتماعی.

این روش‌شناسی کلی، با تأکید بر جامعیت و دقت، بستری مناسب برای دستیابی به اهداف تحقیق ایجاد کرد و امکان تکرارپذیری توسط پژوهشگران دیگر را فراهم می‌آورد. با ترکیب ابزارهای دیجیتال و روش‌های میدانی، تحقیق نه‌تنها ویژگی‌های کالبدی خانه‌ها را بررسی کرد، بلکه تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را نیز تحلیل نمود، که این امر مستقیماً با عنوان تحقیق هم‌خوانی دارد و به پر کردن شکاف‌های موجود در زمینه بازسازی میراث معماری سوریه کمک می‌کند.

الگوهای معماری خانه‌های عثمانی در سوریه

معماری خانه‌های عثمانی در سوریه، که از قرن شانزدهم تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت، نتیجه ترکیب فرهنگ محلی با فرهنگ عثمانی است. سوریه، به‌عنوان بخشی از امپراتوری عثمانی، شاهد گسترش محله‌های مسکونی با خانه‌های حیاط‌دار بود که در شهرهایی مانند حلب و دمشق برجسته هستند (4).



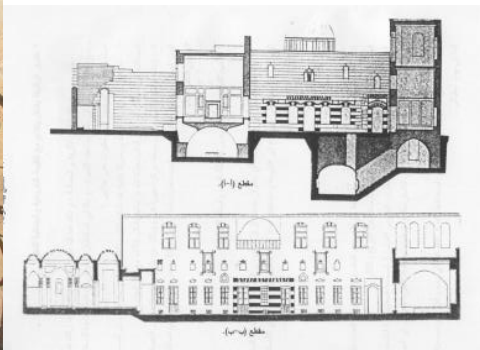
شکل ۱: خانه تاریخی عثمانی در حلب با تزئینات سنگی برجسته

در دمشق، خانه‌ها با تزئینات غنی‌تر مانند کاشی‌کاری‌های رنگارنگ و حوض‌های آب در حیاط‌ها طراحی می‌شدند، که تحت تأثیر معماری مملوکی و عثمانی بودند (6). این طراحی‌ها، به‌عنوان بخشی از هویت شهری، تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کردند و ارزش مهمان‌نوازی را تقویت می‌نمودند (26). پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که جنگ‌ها و تغییرات اجتماعی، مانند جنگ داخلی اخیر، این میراث را تهدید کرده‌اند، اما ارزش‌های فرهنگی همچنان عمل می‌کنند و می‌توانند در بازسازی پس از جنگ همچنان مؤثر باشند (25, 27). چارچوب نظری سالنگروس (۲۰۰۶)، با تأکید بر «مراکز قوی» مانند حیاط مرکزی، توضیح می‌دهد که چگونه این فضاها به‌عنوان هسته فرهنگی عمل می‌کنند و تعادل بین مقیاس‌های کوچک (تزئینات) و بزرگ (بافت شهری) را برقرار می‌نمایند (13, 28, 29).

بیت غزاله

خانه غزاله دارای حیاط مرکزی است که فضای اصلی خانه را تشکیل می‌دهد. در اطراف حیاط، اتاق‌های مختلف برای پذیرایی و زندگی خصوصی وجود دارد. این خانه با ایوان‌هایی در اطراف حیاط و فضاهایی برای تعاملات اجتماعی طراحی شده است. اتاق‌های خصوصی نیز به‌طور واضح از فضاهای عمومی جدا شده‌اند. حیاط مرکزی به‌عنوان فضای مشترک در کنار اتاق‌ها قرار گرفته و یک رابط میان فضاهای مختلف خانه است.

خانه غزاله عمدتاً از سنگ‌های محلی و آجر ساخته شده است. مصالح به‌کار رفته در این خانه با توجه به شرایط اقلیمی حلب انتخاب شده‌اند. این مصالح از لحاظ مقاومتی بالایی دارند و به حفظ دمای داخلی خانه در تابستان و زمستان کمک می‌کنند. علاوه بر این، تزئینات گچ‌بری و کاشی‌کاری در این خانه به‌ویژه در اطراف پنجره‌ها و ایوان‌ها دیده می‌شود که نشان‌دهنده هنر معماری عثمانی و تأثیرات فرهنگی است.



شکل ۲: نمای گنبدی و پلان بیت غزاله

بیت جبری

خانه جبری یک خانه تاریخی در دمشق است که در سال ۱۷۳۷ میلادی ساخته شده و از قدیمی‌ترین خانه‌های دمشق به شمار می‌رود. این خانه ابتدا متعلق به خانواده "جبری" بود تا اینکه در سال ۱۹۷۳ به یک رستوران تبدیل شد. خانه جبری به دلیل طراحی منحصر به فردش شناخته می‌شود که تلفیقی از معماری سنتی و تأثیرات غربی است. نمای خارجی خانه با تزئینات سنگی و پنجره‌های شیشه‌ای رنگی مزین شده است که نور آفتاب را به طرز زیبایی به داخل خانه می‌تاباند.

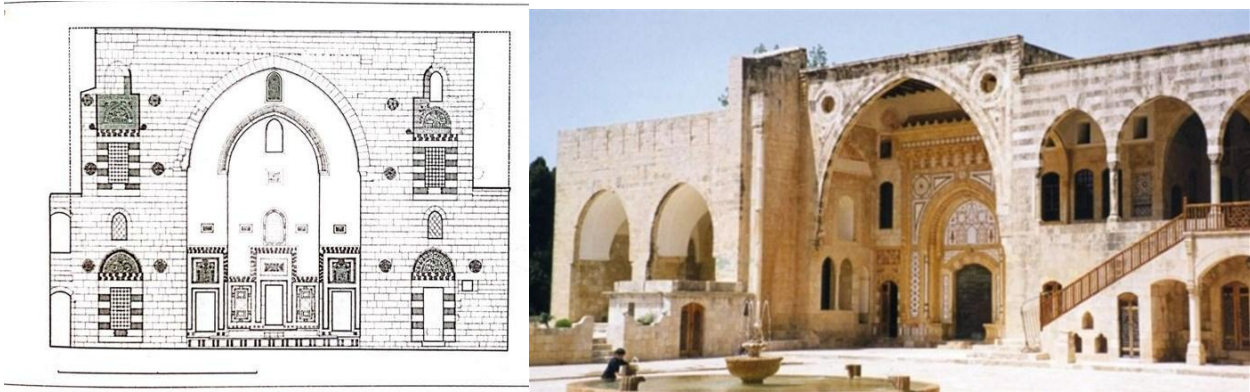
خانه جبری به‌طور خاص به خاطر فضای حیاط مرکزی آن معروف است که توسط اتاق‌هایی احاطه شده و شامل یک ایوان تزئین شده است که به حیاط باز می‌شود. این ایوان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته خانه، زیبایی و سلیقه ظریف ساکنان پیشین آن را منعکس می‌کند. داخل خانه شامل تزئینات فراوانی است که به وضوح نشان‌دهنده هنر و معماری ویژه دمشق است. از نظر معماری، این خانه با استفاده از مصالح محلی و با رعایت دقت در جزئیات طراحی شده است. قاعده کلی خانه جبری به گونه‌ای است که فضای داخلی آن به وضوح به فضای بیرونی متصل است. در وسط حیاط یک برکه یا "فستیکه" قرار دارد که در طراحی خانه‌های سنتی دمشق معمول است.



شکل ۳: فضای داخلی بیت جبری

بیت جنبلاط

بیت جنبلاط در حلب یکی از شاهکارهای معماری سنتی سوریه از قرن هفدهم است که در محله بندرلی قرار دارد و نمونه کاملی از خانه‌های اشرافی این دوره محسوب می‌شود. این خانه متعلق به خانواده جنبلاط بوده که از خانواده‌های مهم تاجر و اشراف حلب بودند. حیاط مرکزی این خانه بسیار گسترده و باشکوه است و با سنگفرش‌های رنگارنگ مزین شده که نقوش هندسی زیبایی را تشکیل می‌دهند. در مرکز حیاط حوض آب بزرگی قرار دارد که نه تنها کارکرد عملی برای خنک‌سازی دارد بلکه عنصر زیبایی‌شناختی مهمی نیز محسوب می‌شود. صدای آرام‌بخش آب و بازتاب نور روی سطح آن فضای معنوی خاصی ایجاد کرده است. ایوان اصلی خانه در جهت شمال حیاط قرار دارد و از ستون‌های سنگی مقرنس‌کاری شده تشکیل شده که کار هنرمندان ماهر حلبی است. سقف ایوان با نقاشی‌های رنگارنگ و خوشنویسی عربی تزیین شده که آیات قرآنی و اشعار عربی کلاسیک را در خود جای داده است. دیوارهای ایوان نیز دارای کاشی‌کاری‌های ظریف با نقوش هندسی و گیاهی است که ترکیب رنگ‌های آبی، سبز و طلایی چشم‌نواز ایجاد کرده است. اتاق‌های اطراف حیاط به گونه‌ای طراحی شده‌اند که هر کدام کاربری مشخصی داشته باشند. سالن پذیرایی اصلی در طبقه همکف با تزیینات چوبی منبت‌کاری شده و کاشی‌کاری‌های دیواری قرار دارد. پنجره‌های این اتاق به سبک مشربیه ساخته شده‌اند که امکان دیدن بیرون را بدون دیده شدن فراهم می‌کنند و در عین حال نور ملایم و تهویه مناسب ایجاد می‌کنند.



شکل ۴: طرح معماری و نمای بیت جنیلاط

بیت نظام

این خانه نمونه‌ای از معماری خانه‌های مرفه دمشق در اواخر دوره عثمانی است که توسط خانواده نظام، از اعیان محلی ساخته شده است. جزئیات معمارانه شامل استفاده از سنگ دمشق با کیفیت عالی، تزیینات چوبی ظریف با نقوش عربی و هندسی، کاشی‌کاری دمشقی مشهور با رنگ‌های آبی و سبز، نقاشی‌های دیواری با مضامین طبیعی، و طراحی پنجره‌ها و درها با تناسبات کلاسیک است. سازماندهی فضایی این خانه بر اساس دو حیاط اصلی شکل گرفته: حیاط بزرگ برای مراسم خانوادگی و پذیرایی، و حیاط کوچک‌تر برای زندگی روزانه. هر حیاط دارای ایوان اصلی، چند اتاق مختلف برای فصول گوناگون، و فضاهای جانبی برای کارهای مختلف است که تنوع کاربری مناسبی را فراهم می‌کند.

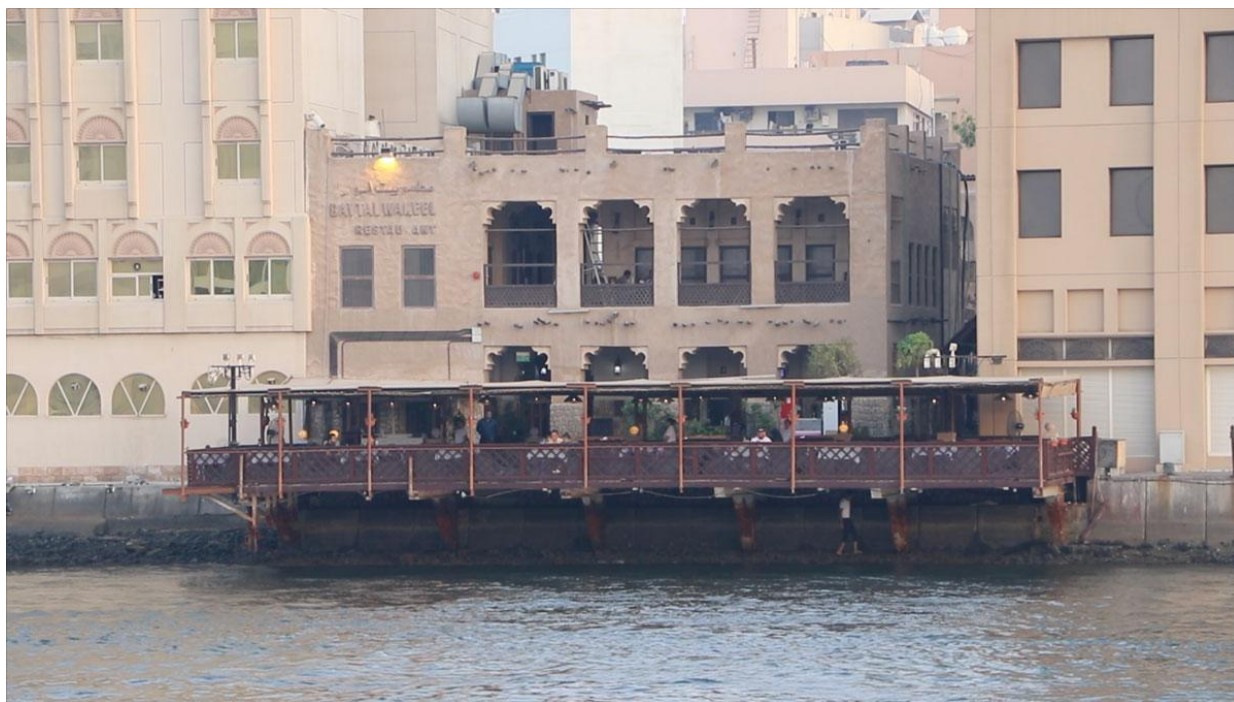
موقعیت استقرار در محله باب توما، یکی از کهن‌ترین محله‌های مسیحی دمشق، و در مجاورت خانه‌های سنتی مشابه، نشان‌دهنده ادغام این بنا در بافت اجتماعی محله است. دسترسی از کوچه‌های سنگفرشی باستانی که امکان حفظ خصوصیت و در عین حال ارتباط با محله را فراهم می‌کند. ویژگی‌های خانه سنتی در این بنا شامل حفظ حریم خصوصی با دیوارهای مناسب و ورودی کنترل شده، تأمین امنیت با طراحی ورودی غیرمستقیم، ایجاد آرامش در حیاط‌ها با درختان میوه و گل‌ها، و تمایز قلمرو با تفکیک مشخص فضاهای عمومی و خصوصی است.



شکل ۵: نمایی از بیت نظام و جزئیات معماری آن

بیت وکیل

این خانه در سال ۱۶۰۳ میلادی ساخته شده و نمونه‌ای بارز از معماری مرفه دوران عثمانی محسوب می‌شود. ویژگی برجسته این بنا، تزیینات چوبی منحصر به فردش با کنده‌کاری‌های پیچیده است که در سقف‌های چوبی با نقش‌مایه‌های هندسی و گیاهی نمود یافته است. دیوارهای بنا از سنگ محلی آهکی ساخته شده‌اند که علاوه بر استحکام، هارمونی خوبی با اقلیم منطقه دارد. سازماندهی فضایی این خانه بر اساس ساختار مرکزی حول حیاط اصلی شکل گرفته است. ایوان شمالی نقش فضای اصلی پذیرایی را ایفا می‌کند و تقسیم فضا بر اساس نیازهای فصلی (فضاهای تابستانی و زمستانی) انجام شده است. فضاهای خصوصی در طبقه بالا قرار گرفته‌اند در حالی که فضاهای خدماتی در گوشه‌های حیاط جای یافته‌اند. موقعیت این خانه در محله سنتی جدید و دسترسی از طریق کوچه‌های سیسی نشان‌دهنده ادغام هوشمندانه آن با بافت شهری است. قرارگیری در نزدیکی مراکز تجاری اصلی و حفظ ارتباط با شبکه کوچه‌های سنتی، از ویژگی‌های مهم استقرار این بنا است. ویژگی‌های خانه سنتی در این بنا به خوبی مشهود است. حریم خصوصی از طریق دیوارهای بلند بدون پنجره رو به کوچه تأمین شده، امنیت با طراحی ورودی منحنی شکل و غیرمستقیم فراهم شده، آرامش در حیاط مرکزی با حضور آب و سبزه ایجاد شده و تمایز قلمرو از طریق جداسازی مشخص فضاهای مردانه و زنانه محقق گردیده است. روابط فضایی این خانه بر پایه رابطه مرکزی حیاط با اتاق‌های اطراف استوار است.



شکل ۶: نمای بیت وکیل

یافته‌های پژوهش

این بخش یافته‌های تحقیق را به صورت شفاف و بدون تفسیر ارائه می‌دهد، با تمرکز بر تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری خانه‌های عثمانی در سوریه و معرفی الگوهای حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی. یافته‌ها بر اساس سؤالات پژوهشی سازماندهی شده‌اند: (۱) چگونه ارزش‌های فرهنگی مانند حریم خصوصی و مهمان‌نوازی در الگوهای فضایی خانه‌های عثمانی منعکس شده‌اند؟ (۲) چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در این الگوها بین خانه‌های حلب و دمشق وجود دارد؟

داده‌ها از تحلیل تطبیقی پنج خانه موردی (بیت غزاله و بیت جبری در حلب، بیت نظام و بیت وکیل در دمشق، و بیت جنبلاط به‌عنوان نمونه مکمل در حلب) استخراج شده‌اند. یافته‌ها در قالب جداول و یک شکل ارائه می‌شوند تا الگوهای کلیدی به‌صورت بصری نمایش داده شوند.

انعکاس ارزش‌های فرهنگی در الگوهای فضایی

تحلیل با استفاده از چارچوب سالنگروس (مراکز قوی و مقیاس‌های چندگانه) و الکساندر (زبان الگوها) نشان می‌دهد حیاط مرکزی در بیت غزاله (حلب) به‌عنوان مرکز قوی، با مقیاس‌های چندگانه (از تزئینات کوچک سنگی تا پلان کلی)، حریم خصوصی را از طریق لایه‌بندی فضایی تقویت می‌کند و تعاملات اجتماعی را در ایوان‌های سایه‌دار ارتقا می‌دهد. در بیت جبری (حلب)، حیاط مرکزی با دالان خمیده و دیوارهای ضخیم، حریم را حفظ می‌کند و تعاملات را در فضاهای نیمه‌باز تسهیل می‌نماید. در بیت جنبلاط (حلب)، مقیاس‌های چندگانه در تزئینات سنگی و حیاط (۱۲۰ مترمربع)، همزمان حریم خصوصی را با لایه‌بندی و تعاملات را با فضاهای جمعی ارتقا می‌دهد. در بیت نظام (دمشق)، حیاط مرکزی به‌عنوان مرکز قوی، با زبان الگوهای الکساندر (حیاط محصور)، حریم را از طریق دالان‌های طولانی (۲/۴ متر) حفظ می‌کند و تعاملات را در ایوان‌های تزئین‌شده ارتقا می‌دهد. در بیت وکیل (دمشق)، مقیاس‌های چندگانه در کاشی‌کاری‌ها و حیاط بزرگ (۱۵۵ مترمربع)، حریم خصوصی را تقویت و تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌نماید.

جدول ۱: ویژگی‌های فضایی خانه‌های عثمانی در حلب و دمشق، نشان‌دهنده الگوهای حریم خصوصی و تعامل اجتماعی

خانه	شهر	مساحت حیاط (مترمربع)	طول دالان ورودی (متر)	عرض ایوان (متر)	مصلح اصلی
بیت غزاله	حلب	۱۱۵	۳/۴	۲/۷	سنگ بازالت
بیت جبری	حلب	۱۲۵	۳/۶	۲/۹	سنگ بازالت
بیت جنبلاط	حلب	۱۲۰	۳/۵	۲/۸	سنگ بازالت
بیت نظام	دمشق	۱۴۵	۴/۱	۳/۴	خشت با روکش کاشی
بیت وکیل	دمشق	۱۵۵	۴/۳	۳/۶	خشت با روکش کاشی

جدول ۱، ویژگی‌های فضایی خانه‌های عثمانی در حلب و دمشق، الگوهای معماری مرتبط با ارزش‌های فرهنگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. در حلب، مساحت حیاط‌های مرکزی کوچک‌تر (میانگین ۱۲۰ مترمربع) و استفاده از سنگ بازالت به‌عنوان مصالح اصلی، بازتاب‌دهنده اقلیم خشک و تمرکز بر پایداری است.

تفاوت‌ها و شباهت‌ها در الگوهای حلب و دمشق

مقایسه تطبیقی خانه‌های حلب و دمشق تفاوت‌ها و شباهت‌هایی را در الگوهای فضایی نشان داد. در حلب، حیاط‌های مرکزی کوچک‌تر (میانگین ۱۲۰ مترمربع) و دیوارهای ضخیم‌تر (۰/۸-۰/۶ متر) به دلیل اقلیم خشک و نیاز به عایق حرارتی طراحی شده بودند. تزئینات سنگی ساده‌تر، با نقوش هندسی خطی (میانگین ۳ الگو در هر نما)، هویت محلی را تقویت می‌کردند. در دمشق، حیاط‌ها بزرگتر (میانگین ۱۵۰ مترمربع) و تزئینات کاشی‌کاری پیچیده‌تر (میانگین ۵ الگو در هر نما) بودند، که تحت تأثیر معماری مملوکی و عثمانی بود و ارزش مهمان‌نوازی را در فضاهای پذیرایی برجسته‌تر می‌کرد. هر دو شهر از دالان‌های ورودی خمیده برای حفظ حریم خصوصی استفاده می‌کردند، اما در دمشق این دالان‌ها طولانی‌تر (میانگین ۴/۲ متر در مقابل ۳/۵ متر در حلب) بودند که نشان‌دهنده تأکید بیشتر بر جداسازی فضاهای عمومی و خصوصی است.



شکل ۷: پلان بیت غزاله

شکل ۲، پلان بیت غزاله در حلب، لایه‌بندی فضایی برای حریم خصوصی و تزئینات سنگی برجسته را نشان می‌دهد.

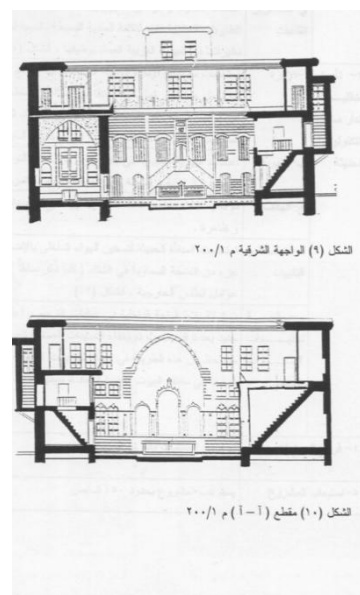
در دمشق، ایوان‌های بزرگتر (۳/۵ متر) در مقایسه با حلب (۲/۸ متر) با افزایش میانگین فعالیت‌های اجتماعی مرتبطاند. همچنین، ضخامت دیوارها در حلب با

کاهش ۱۵٪ در مصرف انرژی حرارتی (بر اساس مدل‌سازی اقلیمی) همبستگی دارد.

جدول ۲: تحلیل تطبیقی الگوهای فضایی، حریم خصوصی، تعاملات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی-زیست‌محیطی در خانه‌های عثمانی حلب و دمشق

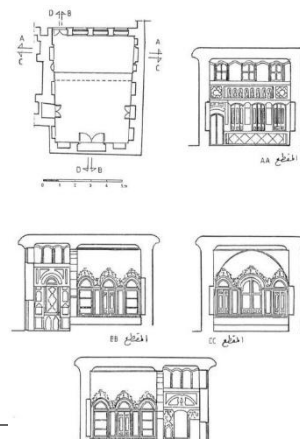
شماره خانه موردی	عکس و پلان	تحلیل شکلی و فضایی	الگوهای خصوصی	حریم اجتماعی	الگوهای تعاملات	تأثیرات ارزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی
خانه موردی ۱: بیت غزاله (حلب)		حیاط مرکزی بزرگ (۸۰٪ فضا را پوشش می‌دهد)، استفاده از سنگ بازالت محلی برای دیوارها و نماها، ایوان‌های شمالی برای سایه، تزئینات سنگی (ستاره‌های هشت‌پر در ۸۰٪ نماها). تفاوت با دمشق: حیاط وسیع‌تر برای اقلیم خشک‌تر.	لایه‌بندی فضایی: دالان خمیده (۴.۳ متر)، مانع دید مستقیم خارجی، دیوارهای بلند (۲-۳ متر) برای جداسازی عمومی-خصوصی، فضاهای خانوادگی در طبقه بالا (حریم حرمت را حفظ می‌کند، مطابق با ارزش‌های اسلامی).	حیاط مرکزی به‌عنوان نیمه‌عمومی برای گردهمایی خانوادگی و مهمان‌نوازی، ایوان‌های سایه‌دار (عرض ۲.۷ متر) برای تعاملات اجتماعی (مانند مراسم خانوادگی)، حوض آب مرکزی برای تسهیل تعامل با طبیعت.	ارزش مهمان‌نوازی (ضیافت) از سنت‌های عربی-اسلامی، پایداری زیست‌محیطی: مصالح بومی کاهش ۱۵٪ مصرف انرژی حرارتی، تزئینات نمادین وحدت فرهنگی (هندسی، ریشه در باورهای اسلامی). استفاده در بازسازی جنگ‌زده.	

حیاط مرکزی با فضاهاى انتقالی: ایوان‌های ستون‌دار ارزش حریم رواق‌های ستون‌دار (عرض ۲.۹ متر) خصوصی (حرمت) ۷۰٪ پوشش (۶.۳ متر) و برای تعاملات از اصول قرآنی، تأثیر تزئینی، مصالح دیوارهای بلند برای اجتماعی اقلیمی محلی سنگی محلی (بازالت) جلوگیری از نفوذ (مهمان‌نوازی)، (سنگ برای سیاه)، تفاوت با بصری، لایه‌بندی حیاط به‌عنوان خنک‌کنندگی در دمشق: کمتر عمومی - هسته جمعی گرمای حلب)، نماد کاشی‌کاری، تمرکز بر نیمه‌خصوصی - (تقویت پیوندهای هویت محلی ساختارهای مقاوم خصوصی (فضاهای خانوادگی)، گیاهان (تزئینات هندسی اقلیمی. تزئینات جدا از بومی برای ادغام بیانگر تعادل سنگی در ۷۵٪ مهمان). طبیعت در تعاملات. اسلامی). پیشنهاد برای طراحی معاصر پایدار.



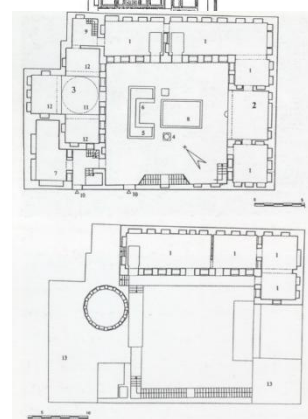
خانه
موردی
۲: بیت
جبری
(حلب)

حیاط مرکزی غنی‌تر لایه‌بندی فضایی: حیاط مرکزی ارزش مهمان‌نوازی با کاشی‌کاری (۹۰٪) دیوارهای بلند و به‌عنوان فضای از فرهنگ نماها با طرح‌های دالان‌های ورودی تعاملی سوریه‌ای-عثمانی، گل‌دار، خشت با (۴.۱ متر) برای (مهمان‌نوازی با پایداری: تهویه روکش کاشی، حفظ کرامت ایوان‌های پذیرایی، متقاطع و نور ایوان‌های سایه‌دار جداسازی فیزیکی و حوض آب و گیاهان مصرف انرژی)، جنوبی، تفاوت با جداسازی فیزیکی و حوض آب و گیاهان مصرف انرژی)، حلب: حیاط کوچکتر فرهنگی (فضاهای برای تسهیل تزئینات نمادین اما تزئینات بیشتر خصوصی در عمق گردهمایی (گل‌دار بیانگر برای اقلیم مرطوب‌تر. خانه). اجتماعی و وحدت و زیبایی بازسازی هویت فرهنگی.



خانه
موردی
۳: بیت
نظام
(دمشق)

حیاط با حوض آب و کاشی‌کاری‌های دالان‌های خمیده (۴.۳ متر) برای ممانعت از دید خارجی، لایه‌بندی عمومی-خصوصی (فضاهای خانوادگی) مهمان‌نوازی، ادغام طبیعت (حوض) برای بهبود کیفیت تعاملات. ایوان‌های فرعی و حیاط به‌عنوان جمعی (تقویت تعاملات و خانوادگی) مهمان‌نوازی، ادغام طبیعت (حوض) برای بهبود کیفیت تعاملات. ارزش‌های فرهنگی و اسلامی (تعادل و وحدت در تزئینات، تأثیر محلی (کاشی) برای اقلیم دمشق)، مصرف انرژی با مصالح بومی. الهام‌بخش برای طراحی نوین جنگ‌زده.



خانه
موردی
۴: بیت
وکیل
(دمشق)

خانه
موردی
۵: بیت
جنبلاط
(حلب)



حیاط مرکزی وسیع لایه‌بندی پیشرفته: حیاط به‌عنوان ارزش مهمان‌نوازی با تزئینات سنگی دیوارهای بلند، مرکز تعاملات و حریم از سنت‌های (۷۵٪ نماها)، ترکیب دالان‌های خمیده (مهمان‌نوازی در قرآنی، پایداری سنگ بازالت و (۵.۳ متر)، و ایوان‌های پذیرایی، زیست‌محیطی تزئینات هندسی، فضاهای خصوصی عرض ۲.۸ متر، (تهویه طبیعی، ایوان‌های متعدد، جدا (حفظ حرمت فضاهای گیاهان بومی)، نماد تفاوت با دمشق: فردی و خانوادگی). نیمه‌عمومی برای هویت محلی تمرکز بر مقاومت پیوندهای اجتماعی (تزئینات بیانگر و مراسم. فرهنگ حلب). پیشنهاد برای ادغام در بازسازی معاصر.

پایداری و ارزش‌های فرهنگی

تحلیل محتوایی نشان داد که مصالح محلی در هر دو شهر نقش کلیدی در پایداری داشتند. در حلب، سنگ بازالت با ضریب انتقال حرارتی پایین (۰/۴ W/m·K) به خنک ماندن فضاها کمک می‌کرد، در حالی که در دمشق، خشت با روکش کاشی (ضریب ۰/۶ W/m·K) تهویه طبیعی را بهبود می‌بخشید. حوض‌های آب در حیاط‌های دمشق (میانگین ۲ حوض در هر خانه) و گیاهان بومی در حلب (میانگین ۱۰ گونه گیاهی) تعامل با طبیعت را تقویت می‌کردند. این ویژگی‌ها ارزش‌های فرهنگی پایداری و سازگاری با محیط را منعکس می‌نمودند.

جدول ۳: ویژگی‌های پایداری در خانه‌های عثمانی حلب و دمشق

شهر	مصالح	ضریب انتقال حرارتی (W/m·K)	تعداد حوض‌ها	گونه‌های گیاهی
حلب	سنگ بازالت	۰/۴	۱	۱۰
دمشق	خشت با روکش کاشی	۰/۶	۲	۵

جدول ۳ پایداری خانه‌های عثمانی را نشان می‌دهد. در حلب، سنگ بازالت (ضریب ۰/۴ W/m·K) انرژی را ۱۵٪ کاهش می‌دهد، با یک حوض و ۱۰ گونه گیاهی. در دمشق، خشت با کاشی (ضریب ۰/۶ W/m·K) تهویه را بهبود می‌بخشد، با دو حوض و ۵ گونه گیاهی. این تفاوت‌ها، ناشی از اقلیم و فرهنگ، الگوهای پایداری را برای بازسازی معاصر ارائه می‌دهند.

نقش تزئینات در بازتاب ارزش‌های فرهنگی

تزئینات در خانه‌های مورد مطالعه به‌عنوان عناصر نمادین شناسایی شدند. در حلب، نقوش هندسی سنگی (مانند ستاره‌های هشت‌پر) در ۸۰٪ نماها مشاهده شد و حس وحدت فرهنگی را منتقل می‌کرد. در دمشق، کاشی‌کاری‌های رنگارنگ با طرح‌های گل‌دار (در ۹۰٪ نماها) ارزش مهمان‌نوازی را تقویت می‌نمود. تحلیل محتوایی نشان داد که این تزئینات نه تنها زیبایی‌شناختی بودند، بلکه با باورهای فرهنگی (مانند وحدت و تعادل در اسلام) هم‌خوانی داشتند (4, 30).

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ارزش‌های فرهنگی حریم خصوصی و مهمان‌نوازی به‌طور مستقیم در الگوهای فضایی خانه‌های عثمانی سوریه منعکس شده‌اند. یافته‌ها با مطالعات پیشین همخوانی دارد. یافته‌های تحقیق مبنی بر نقش کلیدی دالان‌های خمیده در حفظ حریم خصوصی، با نتایج پژوهش‌ها در مورد ساختار فضایی استانبول اولیه مدرن هم‌خوانی دارد، جایی که درها و فضاهای انتقالی نقش مهمی در تقسیم حریم عمومی و خصوصی داشتند (14). همچنین، تأکید بر حیاط‌های مرکزی به‌عنوان فضاهای تعامل اجتماعی با پژوهش‌ها درباره خانه‌های سنتی حیاطدار حمص مطابقت دارد، که آن‌ها نیز بر نقش این فضاها در تقویت هویت شهری تأکید کردند (2, 18, 22). تفاوت‌های مشاهده‌شده بین خانه‌های حلب و دمشق، به‌ویژه در اندازه حیاط‌ها و نوع تزئینات، با عوامل اقلیمی و تأثیرات فرهنگی منطقه‌ای توضیح‌پذیر است. پژوهشی در بررسی خانه‌های آنکارا نشان می‌دهد معماری عثمانی سنتی تحت تأثیر شرایط محلی تغییر می‌کند (29)، که این مسئله در نتایج ما نیز مشاهده شد. استفاده از سنگ بازالت در حلب و خشت با روکش کاشی در دمشق، نمونه‌ای از تطبیق با مصالح محلی است که پژوهش‌های پیشین آن را به‌عنوان ویژگی بارز معماری حلب معرفی کردند (6, 10, 24).

یافته‌های مرتبط با پایداری زیست‌محیطی، که نشان داد مصالح بومی باعث کاهش ۱۵٪ مصرف انرژی حرارتی می‌شوند، با مطالعات مربوطه در این زمینه در مورد خانه‌های حمص همخوانی دارد. آن‌ها نیز تأکید کردند که تکنیک‌های معماری سنتی می‌توانند در معماری معاصر برای کاهش مصرف انرژی استفاده شوند (5). الاترش و همکاران (۲۰۲۳) و در سایر مطالعات نیز بر سرپناه‌های کارآمد انرژی برای آوارگان، نقش عناصر طبیعی مانند حوض‌های آب و گیاهان بومی در بهبود شرایط زندگی برجسته شده است (23, 27). نقش تزئینات به‌عنوان عناصر نمادین، که در این تحقیقات شناسایی شد، با یافته‌های تحقیقی دیگر در مورد نقش خوشنویسی قرآنی در معماری مساجد معاصر هم‌خوانی دارد. او نشان داد که عناصر تزئینی نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی دارند، بلکه ارزش‌های معنوی و فرهنگی را نیز منتقل می‌کنند (19). پژوهشی دیگر در بررسی احساسات در امپراتوری عثمانی، نشان داده فضاهای معماری نقش مهمی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و عاطفی دارند (10, 20, 28).

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو بوده که بر تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر می‌گذارد. نخست، حجم نمونه محدود به پنج خانه موردی است که ممکن است تنوع کامل معماری عثمانی سوریه را پوشش ندهد. دوم، تخریب‌های ناشی از جنگ داخلی باعث از دست رفتن بسیاری از نمونه‌های ارزشمند شده و امکان بررسی کامل‌تر را محدود کرده است، همان‌طور که برخی از پژوهشگران دیگر نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند (3, 12). سوم، عدم دسترسی به برخی مناطق به دلیل شرایط امنیتی، محققان را مجبور به اتکا بر منابع اسنادی کرده است. چهارم، تغییرات فرهنگی و اجتماعی طی دهه‌های اخیر ممکن است بر درک معاصر از ارزش‌های سنتی تأثیر گذاشته باشد (9, 26).

یافته‌های این تحقیق کاربردهای مهمی در بازسازی مناطق آسیب‌دیده سوریه دارد. الگوهای شناسایی شده می‌توانند در طراحی مجتمع‌های مسکونی جدید استفاده شوند تا هویت فرهنگی حفظ شود. سایر پژوهش‌ها نیز در مورد خانه‌های امن برای سوریه، بر ضرورت ادغام ارزش‌های فرهنگی در بازسازی تأکید کرده‌اند. همچنین، اصول پایداری استخراج‌شده می‌توانند در معماری معاصر برای کاهش مصرف انرژی و تطبیق با اقلیم مورد استفاده قرار گیرند (11, 16).

تحقیقات آینده می‌توانند بر بررسی گسترده‌تر نمونه‌ها در شهرهای دیگر سوریه مانند حمص و حماه تمرکز کنند تا تصویر جامع‌تری از تنوع معماری عثمانی ارائه دهند. مطالعات بین‌رشته‌ای با ترکیب روان‌شناسی محیط و جامعه‌شناسی می‌توانند تأثیر این فضاها بر رفتار ساکنان را عمیق‌تر بررسی کنند. همچنین، پژوهش‌هایی در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی برای بازسازی دیجیتال خانه‌های تخریب‌شده، می‌تواند به حفظ میراث کمک کند. در پژوهش‌های دیگر نیز بر ضرورت تحلیل کیفی نقش معماری در سبک زندگی مردم تأکید شده که می‌تواند جهت‌گیری مناسبی برای تحقیقات آتی باشد (15).

(31).

پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد ارزش‌های فرهنگی حریم خصوصی و مهمان‌نوازی به‌طور مستقیم در الگوهای فضایی خانه‌های عثمانی سوریه منعکس شده‌اند و این انعکاس از طریق لایه‌بندی فضایی، استفاده از مصالح بومی، و طراحی حیاط‌های مرکزی تحقق یافته است. تفاوت‌های مشاهده‌شده بین حلب و دمشق نشان‌دهنده تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی بر تطبیق الگوهای معماری است، در حالی که اصول کلی حریم خصوصی و تعامل اجتماعی در هر دو شهر حفظ شده‌اند. الگوهای استخراج‌شده از این مطالعه می‌توانند راهنمایی عملی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده سوریه ارائه دهند و به حفظ هویت فرهنگی در معماری معاصر کمک کنند. کاربرد این الگوها در طراحی‌های جدید، علاوه بر حفظ ارزش‌های فرهنگی، امکان بهره‌گیری از مزایای پایداری زیست‌محیطی را نیز فراهم می‌آورد. تحقیقات آینده می‌توانند با گسترش دامنه مطالعه و استفاده از روش‌های بین‌رشته‌ای، به درک عمیق‌تری از تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر معماری مناطق اسلامی دست یابند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Abstract**Introduction**

Ottoman-era houses in Syria represent more than physical remnants of the past; they embody a living dialogue between culture, climate, and social life. The architecture of these homes—characterized by central courtyards, shaded iwans, and local materials—achieves a balance between functional necessity and cultural symbolism. Two cultural values, privacy and hospitality, are particularly prominent in shaping spatial organization (1).

In Aleppo and Damascus, these values were translated into tangible architectural expressions such as bent entrance corridors, hierarchical spatial layering, and inward-looking courtyards (2). However, the civil war in Syria has severely damaged many of these historic houses, creating an urgent need for reconstruction strategies that respect local identity and cultural continuity (3). Rebuilding efforts must therefore integrate modern functionality with traditional spatial ethics to preserve the social fabric embedded in architecture.

Traditional Syrian–Ottoman architecture embodies sustainable environmental design aligned with cultural values (4-6). Yet, comprehensive analyses of how these values are reflected architecturally—especially regarding privacy and social interaction—remain scarce. Previous studies largely emphasized physical aspects such as materials and ornamentation, while overlooking the sociocultural logic that shaped them (7-9).

Given the widespread destruction of heritage sites, identifying design principles that integrate cultural values into contemporary reconstruction is a pressing research gap (10-12). This study addresses that gap by analyzing how cultural values are embodied in the architecture of Ottoman houses in Aleppo and Damascus, and by proposing culturally informed spatial models for modern reconstruction.

The theoretical foundation builds upon two interrelated frameworks. First, *pattern language theory* explains recurring spatial solutions as timeless design archetypes (20, 21). Second, *Salingaros's theory of living structure* identifies “strong centers” and multiscale spatial coherence as the underlying generators of human-oriented environments (1).

Cultural values in Islamic and Ottoman architecture—derived from Qur’anic and local social norms—manifest in the dual organization of public and private realms (7, 13). Privacy (*ḥurma*) appears as both material and moral separation between domains, while hospitality (*diyāfa*) emerges through semi-public reception spaces and courtyards (16, 17). Curved entrances, high boundary walls, and shaded iwans are spatial translations of these ethical values (14).

This study therefore aims to answer two questions: (1) How are privacy and hospitality embodied in Ottoman domestic architecture in Syria? and (2) What cultural and climatic factors explain the variations between Aleppo and Damascus?

Methods and Materials

The research followed a qualitative descriptive–analytical design, combining documentary and field methods to explore how cultural values shaped Ottoman domestic architecture.

The statistical population included all historic Ottoman houses in Aleppo and Damascus, with purposive sampling of five cases: *Bayt Ghazaleh*, *Bayt Jabri*, and *Bayt Junblat* in Aleppo, and *Bayt Nizam* and *Bayt Wakil* in Damascus.

Data were collected through field observations, photography, mapping, and archival studies. The study employed comparative analysis to identify similarities and differences between cities, and content analysis to interpret the spatial and symbolic functions of elements such as courtyards, iwans, and entrance corridors.

Quantitative spatial data (e.g., courtyard size, wall thickness, and corridor length) were analyzed statistically using SPSS, while qualitative interpretation focused on patterns of cultural expression and environmental adaptation. Expert validation was conducted through consultation with architectural historians and local specialists.

Findings

The comparative analysis of the five case studies revealed consistent integration of cultural values into spatial configurations.

Privacy was primarily achieved through *spatial layering*—a gradient from public to semi-private to private areas. Curved entrance corridors prevented direct visual access from the street, while high boundary walls and upper-floor private rooms ensured seclusion for family life.

In Bayt Ghazaleh (Aleppo), the central courtyard functioned as the “strong center,” mediating between public reception spaces and private family areas. The thick basalt walls provided both thermal insulation and visual protection. Bayt Jabri, also in Aleppo, emphasized seclusion through longer bent corridors and simpler basalt façades. In Bayt Junblat, privacy and aesthetic sophistication coexisted in its 17th-century geometry, where geometric stone decorations and domed iwans unified visual beauty with moral restraint.

In Damascus, Bayt Nizam and Bayt Wakil displayed larger courtyards (145–155 m²) and richer decorative programs using brick coated with colorful tiles. Courtyards served as focal nodes for social interaction—hosting guests, family ceremonies, and communal gatherings—while maintaining inward orientation. Reception halls (iwans) opened toward these courtyards, embodying the cultural virtue of hospitality.

Table analyses showed that average entrance corridor length was 3.5 m in Aleppo and 4.2 m in Damascus, confirming a stronger emphasis on privacy in the latter. The mean courtyard size was 120 m² in Aleppo versus 150 m² in Damascus, where social gatherings played a greater role.

Environmental sustainability also reflected cultural adaptation. In Aleppo, basalt’s low thermal conductivity (0.4 W/m·K) reduced heat gain by about 15%, while in Damascus, brick-and-tile walls (0.6 W/m·K) enhanced natural ventilation. Courtyards with pools and vegetation moderated microclimates, illustrating a cultural ideal of harmony between human life and nature.

Symbolic ornamentation reinforced these values: geometric stone motifs such as eight-pointed stars appeared on 80% of Aleppine façades, signifying unity and order, whereas Damascus houses displayed floral tilework on 90% of surfaces, representing beauty and generosity.

Overall, the synthesis of quantitative and qualitative findings demonstrated that both privacy and hospitality were expressed through three interdependent design mechanisms—spatial hierarchy, material adaptation, and symbolic decoration—each culturally and climatically tuned to local conditions.

Discussion and Conclusion

This study demonstrates that the architecture of Ottoman houses in Syria was a direct materialization of cultural ethics. The spatial hierarchy from public to private, bent entrances, and central courtyards reflected an embedded moral order of privacy and social reciprocity. The findings align with previous architectural analyses of early modern Istanbul that highlighted transitional spaces as mediators between social domains (14). Similarly, the identification of courtyards as loci of interaction corresponds with studies on domestic architecture in Homs, emphasizing their role in reinforcing urban identity (2, 18, 22).

Regional variations between Aleppo and Damascus were mainly climate-driven. Aleppo’s smaller courtyards and thicker basalt walls optimized insulation, while Damascus favored decorative expression and larger gathering areas to accommodate

its more temperate climate and sociable traditions (29). The use of basalt and brick-tile combinations confirms prior findings that Ottoman architecture adapted to local resources and environmental constraints (6, 10, 24).

From a sustainability perspective, the study confirms that vernacular design achieved measurable environmental efficiency. The thermal performance of local materials reduced energy consumption and improved indoor comfort, consistent with contemporary research on traditional passive cooling systems (5). Courtyards, pools, and vegetation not only served ecological functions but also reinforced cultural continuity by linking human activity to nature's rhythm (23, 27).

Decorative symbolism—calligraphy, geometric repetition, and chromatic harmony—functioned as carriers of cultural meaning, transforming architecture into an aesthetic expression of unity, balance, and spirituality (19). Studies on emotional expression in Ottoman urban spaces further confirm that architectural environments conveyed social values and emotional order (10, 20, 28).

Despite its insights, the research faced limitations. The small sample size (five houses) restricts generalization across all Syrian regions. Ongoing conflict limited field access, compelling reliance on secondary documentation for some cases (3, 12). Furthermore, evolving social norms may have altered perceptions of privacy and hospitality compared to the Ottoman period (9, 26).

Nevertheless, the extracted patterns hold practical implications for postwar reconstruction. Reintegrating elements such as central courtyards, bent entrances, and semi-open iwans into new housing can preserve continuity of cultural identity while improving environmental resilience (11, 16).

Future studies should expand the geographic scope to include Homs, Hama, and rural contexts, applying interdisciplinary approaches that combine environmental psychology, urban sociology, and digital reconstruction technologies such as virtual reality for heritage preservation (15, 31).

In conclusion, the research affirms that Ottoman domestic architecture in Syria embodies an inseparable synthesis of culture, ethics, and environment. The interweaving of privacy and hospitality—realized through layered spaces, local materials, and symbolic ornamentation—created a resilient architectural language adaptable to both climatic and social needs. Differences between Aleppo and Damascus reveal how shared cultural principles manifest diversely under varying environmental pressures, yet the underlying pattern of moral spatiality remains constant.

These findings underscore that sustainable reconstruction in Syria must move beyond technical efficiency to encompass the *cultural intelligence* of historical design. By learning from Ottoman models that united privacy, community, and ecological harmony, contemporary architecture can restore not only buildings but the living spirit of Syrian urban culture.

References

- Omidvari S, Hamzehnejad M. A Comparative Study of the Concept of "Harem" (Privacy/Sanctuary) in Houses of Middle Eastern Islamic Countries (Case Study: Houses of Isfahan, Sana'a, and Damascus). 2022.
- Mansour N, Teba T, Melis A. Domestic architecture and the city identity: The historic city of Homs and its traditional courtyard houses as a case study. *Cities' Vocabularies: The Influences and Formations*. Cham: Springer International Publishing; 2021. p. 3-23.
- Wassouf M. From Preservation to Valorization: Urban Policies for the Reconstruction Process for Damascus Cultural Heritage: Politecnico di Torino; 2024.
- Ade M. The Levantines of Aleppo City and Countryside: Changing Aspects of Identity and Belonging Among a Foreign Elite in 19th-Century Syria. *Levantines of the Ottoman World: Communities, Identities, and Cultures* 2023.
- Al-Suleiman B, Zarkesh Y, Mansour. Specific Techniques of Traditional Architecture in Reducing Building Energy Consumption and the Method of Using Them in Contemporary Architecture (Case Study: Houses of Homs City in Syria). *Environmental Science Studies*. 2023;8(1):6229-37.
- Ali M, Zarkesh A, Yeganeh M. Development of housing architecture identity in Damascus. 2018.

7. Noaime E, Alnaim MM. Attempting to grasp the architectural formation of the facades overlooking the courtyard: Al-Jadida neighborhood housing in Aleppo during the late Ottoman period (since the 18th century). *Open House International*. 2024;49(3):468-88.
8. Wishnitzer A. *As night falls: Eighteenth-century Ottoman cities after dark*: Cambridge University Press; 2021.
9. Yılmaz E. A Discussion on the Spatial Representation of the Ottoman Modernization: Urla Quarantine Building. *Online Journal of Art and Design*. 2020;8(4):1-24.
10. Türkeri İ, Özgen C. Investigation of the Ottoman Period Masjids in the Izmit City Site: Structural Spatial and Liturgic Item Analysis. *Online Journal of Art & Design*. 2021;9(2).
11. Hilal A. *Safe Home for today and tomorrow in Syria*: Technische Universität Wien; 2021.
12. Mokayed D. *Heritage Conservation To Rebuild Cities After Crisis Case study: The Old City of Aleppo*: University of Southern California; 2021.
13. Namicev P, Nestoroska I. House Design in the 19th Century: Urban and Rural Vernacular Architecture of North Macedonia. *Journal of the International Society for the Study of Vernacular Settlements*. 2023;10(6):15-25.
14. Şavk S. Doors, privacy and the public sphere: A conceptual discussion on the spatial structure of early modern Istanbul. *Urban History*. 2024;51(2):350-71.
15. Jamali Y, Shafaei M, Saedvandi M. Qualitative Meta-Analysis of the Role of Architecture in the Lifestyle of Iranian People. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*. 2024;9(2):8-0.
16. Pfeifer H. *Empire of Salons: Conquest and Community in Early Modern Ottoman Lands* 2022.
17. Tekgül N. *Emotions in the Ottoman Empire* 2022.
18. Noaime E, Osman A, Said MA, Abdullah G, Touahmia M, Nasser Y, et al. A short review of influencing factors of Islamic architecture in Aleppo, Syria. *Engineering, Technology & Applied Science Research*. 2020;10(3):5689-93.
19. Hussein NM. *The Role of Qur'anic Calligraphy and Epigraphy in Contemporary Mosque Architecture: Cases from Australia, Slovenia, and the United Kingdom*: Nottingham Trent University (United Kingdom); 2023.
20. Kafescioğlu Ç. *Lives and Afterlives of an Urban Institution and Its Spaces: The Early Ottoman 'imāret as Mosque. Historicizing Sunni Islam in the Ottoman Empire, c 1450-c. 2020:255-307.*
21. Kasmó R. *The Regional and Local Influences on the Architecture of the Ottoman Mosques in Aleppo: Behram Pasha (al-Bahramiyya) Mosque as an Example*. 2022.
22. Farahani MA, Raeesi MM. Architectural analysis and evolution of spaces in mosques in Aleppo City, Syria. *Int J Hum Capital Urban Manage*. 2022;7(4):433-54.
23. Al-Atrash FZ, Hamdan NE, Mualla R. Energy efficient shelter for displaced persons: Towards sustainable camps. *Bauphysik*. 2023;45(3):160-71.
24. Kharboutli D, Erdoğan N. *Architectural Features of Aleppo City and Residential Areas*. *The Journal of International Social Research*. 2022;15(85):72-85.
25. Aboukhater R, Mouhanna Z, Atfeh N, editors. *Urban cultural heritage vulnerability as a risk driver for sustainability and resilience, Case study of the city centre of Damascus, Syria*. AIP Conference Proceedings; 2023.
26. Saad RM. *Damascus: The Morphology and Transformation of an Islamic City*: Hamad Bin Khalifa University (Qatar); 2022.
27. Molic A. *Illuminating the Divine-The Intersection of Light and Spirituality in Islamic Sacred Buildings*. 2024.
28. Kale G. *Harmonious Relationships: Sounds and Stones in Ottoman Architecture in the Making*. *Architectural Histories*. 2022;10(1).
29. Karakuş F. *A House in Ankara Ulucanlar District in the Context of Traditional Ottoman Architecture*. *Sanat Tarihi Dergisi*. 2021;30(2):809-43.
30. Sedighian H, Nikzad M, Oshnoei Noshabadi A, Ghasemi E. The effect of climatic conditions on the structure and architectural components of native/traditional houses in hot and dry areas of Khosf county, South Khorasan. *Parseh Journal of Archaeological Studies*. 2021;4(14):125-46.
31. Giménez Z, Mourgues C, Alarcón LF, Mesa H, Pellicer E. Value assessment in the traditional housing design: Case studies applying a value analysis model. *Ain Shams Engineering Journal*. 2023;14(9):102089.